

آنتی کمونیسم و فراخوان چپ کشی؛ از فرشگرد تا فائزه رفسنجانی و عبدالرضا داوری

سیاوش دانشور

صفحه ۲

علیه فقر و حجاب، علیه جهل و خرافه در مدارس و دانشگاهها

رحمان حسین زاده

صفحه ۵

گزارش تظاهراتهای دومین سالگرد گرامیداشت خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در خارج کشور

صفحه ۶

تهدید چپ ها و کمونیستها، هم جهمتی فائزه رفسنجانی، عبدالرضا داوری و سلطنت طلبان

امیر عسگری

صفحه ۷

پاسخ گلرخ ایرایی زندانی سیاسی در زندان اوین به نامه فائزه هاشمی

صفحه ۸

سال جدید تحصیلی و چه باید کردها!

فاطمه عسگری

صفحه ۱۱

افغانستانی ستیزی تا مرز فاشیسم

سعید آرمان

صفحه ۱۲

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۳۰ شهریور ۱۴۰۳ - ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴

۲۵ شهریور سالروز قتل دولتی مهسا و آغاز خیزش انقلابی را پشت سر گذاشتیم، مبارزه ادامه دارد

۲۵ شهریور سالروز روز قتل دولتی مهسا امینی و آغاز خیزش انقلابی ۱۴۰۱ را پشت سر گذاشتیم. آنچه ما در این روز تاریخی شاهد آن نبودیم تکرار جنبش اعتراضی به این مناسبت در شهرهای ایران بود، خیزشی که جمهوری نکبت اسلامی از آن وحشت مرگ کرد. اما آنچه برجسته بود و به عینی قابل مشاهده بود، ترس و وحشت رژیم اسلامی و نیروهای سرکوبگر و امنیتی از خروج مجدد اعتراضات و رودر رویی با رژیم اسلامی بود.

به این دلیل جمهوری اسلامی و دستگاههای امنیتی و اطلاعاتی همه زور خود را زدند و روزهای قبل از سالروز خیزش انقلابی، تعداد زیادی از فعالین سیاسی، خانواده جانباختگان را در کردستان و سایر شهرها احضار و زندانی و تهدید کردند. شهر سقز زادگاه مهسا امنیتی را تماما ملیتاریزه و قبرستان آچی را محاصره و از آمدن و رفت مردم جلوگیری کردند. تمام شهر را با نسب دوربینها کنترل و منزل پدری مهسا را محاصره و خانواده مهسا را در این روز از حق رفت و آمد محروم و دهها اقدام امنیتی و آماده باش نیروهای سرکوب در سایر شهرها برای ممانعت از اعتراض مردم در این روز، با این وجود در تعدادی از شهرهای کردستان بخصوص شهر سقز زادگاه ژینا

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



جالب است ضد کمونیسم جهش یافته اپوزیسیون بورژوائی و سلطنت طلب روی دوش ضد کمونیسم نهادهای امنیتی رژیم ایستاده است و ادامه آنست. لیستی طولانی از باصلاح مستندها و فیلم ها، روایت ها، میزگردها و مطالب هست که در روزی نامه های رژیم در سالهای اخیر یکجانبه منتشر و پخش شدند که هدف اساسی آنها تخریب

چهره شخصیت های چپ و کمونیسم بطور کلی بوده است. امری که یک پای استدلال اصلاح طلبی، مدنی چی گری، مسالمت جوئی و سیاست آشتی طبقاتی بوده است. عناصر اصلی و پیکره این تبلیغات ضد کمونیستی در خارج کشور عمدتاً صادراتی هستند.

نامه فائزه رفسنجانی اما درون مایه بساط ورشکسته حکومت را برملا میکند. یک مورد دیگر بر اثبات این ادعا است که تبلیغات پوک نهادهای امنیتی رژیم علیه کارگر و کمونیسم هیچ جایی را پر نکرده است. نه مردمی که خروشیدند، نه زنان شورشی و نه نسل جدید، کمترین تعلق خاطری به گذشته و شکافهای ملی و انسان ستیزی و دشمنی با کمونیسم نشان ندادند، فراتر شعارهای ماهیتاً چپ علیه فقر و فساد و تبعیض و نابرابری و آپارتاید، عمارت خون و جنایت اسلام و سرمایه را بلرزه درآورد. فائزه اصلاح طلبی از سلاله نسل اول آدمکشان رژیم اسلامی است و روی دوش رانت خون و جنایت سران اصلی رژیم قد کشیده است. او که تحت شرایط "ویژه و لوکس" با زندانیان سیاسی مبارز و چپ بر خورده بود و هنوز جرات نمیکند آن چادر زشت و سیاه و نماد تحقیر زن را از سرش بردارد، ادای دمکراسی درمی آورد و به زندانیان مبارز و چپ "دیکتاتور" و "فاشیست" میگوید! چرا؟ چون تسلیم سیاست رژیم وی نشدند. چون اجازه ندادند با آبروی زندانی سیاسی بازی کند. او از زندان نامه استغفار مینویسد و علیه زندانیان گرای امنیتی میدهد، روزنامه های رژیم و امنیتی ها تحسین کنان نامه اش را چاپ میکنند، به مقام مردانه "تنها پسر آقای رفسنجانی" ارتقای میدهد و روز بعد سهمش را با آزادی از زندان میگیرد! لابد در سطح نامه اش هم متوقف نشده و نمیشود و برای تک تک زندانیان صفحات زیادی تک نویسی میکند تا مقدمات پرونده سازیهای آتی فراهم شود. فائزه رفسنجانی امروز کوبل آمنه سادات ذبیح پور است.

یکی دیگر از لمپن های اسلامی "عبدالرضا داوری" از معاونین و مشاورین پیشین محمود احمدی نژاد تیر خلاص زن است. او در پاسخ دوستی که به مسموم کردن کودکان با تبلیغات ناسیونالیستی معترض و در دفاع از حقوق کودک حرف زده بود، با موجی از ادبیات چاله میدانی این عنصر حکومتی روبرو میشود و نفرتش را علیه چپ و کمونیسم با تمجید از اسداله لاجوردی قصاب اوین بیان میکند که "وی کار خوبی کرد که کمونیست ها را از دم تیغ گذارند" و فراخوان نابودی کلیه چپ ها را میدهد و میگوید "چپ خوب چپ مرده است!" این عنتر بازی ضد کمونیستی برای خامنه ای و دستگاه های اطلاعاتی رژیم، البته بی اجر و مزد نمی ماند و صد البته قربانیان خود را از جمله میان زندانیان و فعالین سیاسی خواهد داشت. همه اینها روز خودش باید پاسخ بدهند. الان پشت شان به سرکوب و ممنوعیت کمونیسم گرم است و شلنگ تخته می اندازند، اما نوبت ما هم میرسد.

آنتی کمونیسم و فراخوان چپ کشی؛ از فرسگرد تا فائزه رفسنجانی و عبدالرضا داوری

سیاوش دانشور

در سالهای اخیر، همراه با تند شدن مواجهه جامعه با جمهوری اسلامی، در درون رژیم و اپوزیسیون مجاز حاشیه رژیم و در میان اپوزیسیون بورژوائی ایران، کمونیسم ستیزی شدیدتر از حد معمول خود را نشان میدهد. حتماً فضای بین المللی و منطقه خاورمیانه، عادی شدن میلیتاریسم و تروریسم و نسل کشی، رواج بیشتر ترور و شکنجه و فقر، گسترش ادبیات و عمل نژادپرستانه، در این چرخش فاشیستی در سیاست ایران بدون تاثیر نبوده است. با اینحال، منشا اساسی این آنتی کمونیسم و ضدیت با هر روایتی از برابری و رفع تبعیض، وضعیت کنکرت سیاسی ایران و رشد روزافزون یک رادیکالیسم اجتماعی و چپگرا در تمامیت خود و قلمروهای مهمی است که مورد تهاجم انقلابی است. لذا بورژوازی بعنوان یک طبقه، اعم از رژیمی و حاشیه حکومتی و اپوزیسیونی، منفعت واحد طبقه شان را خوب بو می کشند و دشمنی طبقاتی شان با کارگر و کمونیسم و برابری طلبی را ارجح بر تناقضات و رقابتهای درون طبقاتی خود در این دوره حیاتی میدانند.

نه فرسگردیهای سابق نه یاسمن پهلوی و نه فائزه رفسنجانی و نه عبدالرضا داوری عنصر مهم و تعیین کننده ای در سیاست جاری ایران و جنبشهای اجتماعی نیستند، برعکس، عناصر فالانز و بیمایه، بد دهن و مرتجع هستند. آنها اما در تقسیم کار تبلیغات ضد کمونیستی و ضد انقلابی، نقشی را ایفا میکنند که طبقه شان به آن احتیاج دارد تا برادریش را به اربابان ثابت کند. وقتی در ابتدای تشکیل فرسگرد گفتیم "که این جریان پدیده ای از جنس بلاک واتر و اسکین هدهای فاشیست است که خودش جدی نیست اما میتواند موی دماغ مبارزه کارگری و سوسیالیستی باشد"، تبلیغات نمی کردیم. هر کسی که نگاهی به پلاتفرمهای سوشیال میدیا می اندازد باید متوجه یک روند جدید ادبیات نازل و تهدید به آدمکشی و تروریزه کردن فضای سیاسی علیه کمونیست ها و هر مخالف و منتقد سیاسی سلطنت طلبان و مشخصاً رضا پهلوی شده باشد. کسانی که از "هوس چپ سوزی و راه انداختن کوره آدمسوزی برای کمونیست ها" حرف میزنند، افرادی که با ریکت ترین ادبیات و زشت ترین الفاظ عهد عتیقی به زنان حمله می کنند، کسانی که میگویند "شاهنشاه اشتباه کرد که همه شما را از دم تیغ نگذارد"، افرادی که وعده میدهند "فرزندان پاسارگاردی بزودی دخل همه شما را خواهند آورد".

کمی بعدتر، یاسمن پهلوی پارتنر رضا پهلوی، شعار "مرگ بر سه فاسد، ملا چپی مجاهد" را در صدر تبلیغات اسکین هدهای فرسگرد و سلطنت طلبان قرار داد. دقت کنید ما در باره آزادی بیان و گفتن ناهنجارترین عقاید سخن نمی گوئیم بلکه داریم در مورد تهدید به آدمکشی و هجوم فالانزیستی و چماقداری نوین میان نیروهای باصلاح "اپوزیسیون" هشدار میدهم. امری که مشکلات عدیده در خارج کشور و مبارزه علیه جمهوری اسلامی بوجود آورد.



خواهد کرد. دولتی که اهدافش آسایش و امنیت و رفاه جامعه نیست و در مقابل خواست و تمایلات بر حق مردم جززبان زور برای حفظ موقعیت خود راه دیگری را نمی شناسد، دیر یا زود توسط مردم زمین خواهد خورد، آنهم رژیمی که مورد نفرت اکثریت جامعه است و در بحرانهای متعددی دست و پا می زند.

اولین اقدام دولت پزشکیان تهدید معیشت مردم به گرانی بنزین و تامین کمبود بودجه دولت از جیب خالی مردم بود. علیه غرب و امریکا زبانش الکن است. اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه و تقابل برسر این مسائل روزمره در جریان است. زندانها به مکانی علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم تبدیل شده است. تمام مشاهدات نشان از این دارد که جامعه علاوه بر سرکوب وحشیانه و دستگیری و تشدید اختناق، جمهوری اسلامی نتوانسته عظم و اراده مردم را در هم شکند و اوضاع را به نفع خود تغییر دهد. سرکوب و وحشیگری رژیم برای جلوگیری از خیزشی است که تجربه کرد و تازه جمهوری اسلامی شانس آورد که خیزش ۱۴۰۱ انقدر توده ای و همه گیر نبود که کار را یکسره کند و توانست با سرکوب و کشت و کشتار دوباره جان بگیرد.

۲۵ شهریور روز قتل دولتی مهسا، روز مهمی در تحولات سیاسی مهم جامعه ایران، جرقه آغاز خیزشی بود که جمهوری اسلامی را در سراسیمی سقوط قرار داد. این روزها و این جنبشها به ناچار تکرار خواهند شد. جامعه برای رهایی ناچار است راه خود را برای پیشروی و پیروزی هموار کند.



سردبیر

۲۵ شهریور سالروز قتل دولتی مهسا و آغاز خیزش انقلابی را پشت سر گذاشتیم، مبارزه ادامه دارد

”مهسا امینی“ مردم اعتصاب کردند و مغازه را تعطیل کردند وزندانان سیاسی زندان اوین در حمایت از اعتراضات مردم و گرامیداشت خیزش انقلابی در حیات بند تجمع کردند و به این مناسبت شعار دادند.

جمهوری اسلامی نه تنها روزهای قبل از ۲۵ شهریور امسال، که از شروع خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با سرکوب و کشت و کشتار و اعدام جوانان و تا کنون از وحشت از تکرار بر آمد توده ای به سر می برد و در دو سال گذشته برای میخکوب کردن جامعه از کشتار و زندان و شکنجه اعدام و آذیت و آزارزنان و هر آنچه در توان داشت کوتاهی نکرد.

خیزش انقلابی ژینا نه شکست خورد و نه پیروز شد. این جنگ برای پیشروی و پیروزی و شکست دادن جمهوری اسلامی در ابعاد مختلفی ادامه دارد. این زورآزمایی به گسترش جامعه در جریان است و ۲۵ شهریور سالروز قتل دولتی مهسا یکی از این روزها در این تحول عظیم سیاسی است. این سکوت نشانه تسلیم و رضایت نیست، خشم خفته ای است که منتظر فوران است. روزهای قبل و بعد از ۲۵ شهریور آن جامعه مضاف را ادامه داد و ادامه خواهد یافت.

هیچ دلیلی برای خاموشی وجود ندارد. مردم زخم خورده و خشمگینند و آنچه برایش جنگیدند و به سرانجام نرسید، هنوز صورت مسئله جامعه و اکثریت مردمی است که ناراضی اند، از فقر و فلاکت به تنگ آمده اند. از اختناق سیاسی و مذهبی نفس راحتی نمی کشند و به این دلایل این جنگ تا تعیین تکلیف نهایی ادامه خواهد یافت. به قول معروف آبی که در جوب رها شود به راهش ادامه خواهد داد و هر مانعی موقتاً راهش را کج می کند.

دولت عوامفریب پزشکیان را سر کار آوردند که دوره ای مردم را منتظر و سرگردان کنند و وقت بخرند تا بیشتر خود را برای رویارویی با مردم آماده کنند. اما شکی نیست که نه اوضاع ایران و نه اوضاع منطقه و جهان به نفع جمهوری اسلامی عمل نخواهد کرد و دولت پزشکیان نیز بزودی سرنوشتی همچون دولت‌های پیشین خواهد داشت و بزودی تناقضات شکننده این دولت را نیز در پیشبرد اهدافش ناکام

اعتصاب کارگری



برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

ما بعنوان کمونیست کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر از تحرک لایه های مختلف ارتجاع بورژوازی علیه کمونیسم ابداً تعجب نمی کنیم. ما همواره در باره فرقه های فالانژ و ضد جامعه و نقش مخرب آنها هشدار داده ایم و به سهم خود به افشای آنها پرداخته ایم. در عین حال ما این وضعیت را دلیلی دیگر بر تشدید قطب بندی طبقاتی در ایران میدانیم و از آن عمیقاً استقبال می کنیم. نفس اینکه از حکومت اسلامی و اصلاح طلبان و نیروهای حاشیه رژیم و سلطنت طلبان و ناسیونالیست های طرفدار رژیم، اینبار دستجمعی خود را بعنوان بخشهای مختلف بورژوازی ایران در تقابل با کارگر و کمونیسم یکجا یافته اند و بدون پرده پوشی آنها اعلام میکنند، بیانگر این واقعیت است که علیرغم تبلیغات مسموم و تولید انبوه دروغ علیه کمونیسم و امر آزادی جامعه، کارگر و کمونیسم یک جنبش و نیروی واقعی در جامعه است که "خطر" آن همه بورژوازی را به وحشت انداخته است. از اعلام برائت از کمونیسم تا تبلیغات مسموم و دروغ علیه کمونیسم و فراخوان برای کشتار کمونیست ها، همه بر این واقعیت دلالت دارند که کمونیسم در ایران یک پایه اجتماعی واقعی و عینی دارد و نگرانی ها از همینجاست. اینکه فائزه منفعت آبی خود را میجوید یا فلان اوباش احمدی نژاد تیر خلاص زن از لاجوردی جلاد تمجید کند، و یا یاسمن پهلوی و اسکین هد دیروز عضو انجمن اسلامی و تحکیمی از کمونیست کشی حرف بزنند، ثانوی ترند. اینها خرده و ریزه های جدال بزرگتری اند. پرولتاریا برای پیروزی و استقرار جامعه ای انسان محور و آزاد و برابر و مرفه، ناگزیر است کل لجن تاریخ جوامع طبقاتی را لایروبی کند.

۲۹ شهریور ۱۴۰۳ - ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴

آنتی کمونیسم و فراخوان چپ کشی...

ما کمونیست ها اعلام کرده ایم که آنتی کمونیسم "یک حزب واحد جهانی" در جامعه سرمایه داری است. این حزب واحد جهانی جائی دفتر و تابلوی رسمی ندارد اما به گواهی تاریخ و عملکرد ضد کارگری دولتهای سرمایه داری، آنتی کمونیسم شناسنامه مشترک سیاسی طبقات حاکمه از مونارشویست و جمهوریخواه تا لیبرال و محافظه کار، از سوسیال دمکرات و مرکز تا مذهبی و لائیک بوده است. آنتی کمونیسم برای بورژوازی یک رکن مهم ایدولوژی و سیاستی است که قرار است اعتراض به استثمار و نابرابری و تبعیض، اعتراض به کار مزدی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید را منکوب کند. آنتی کمونیسم علیه نقد اجتماعی و سوسیالیستی طبقه کارگر به نظم کنونی است.

آنتی کمونیسم در کشورهای سرمایه داری تحت سلطه و مبتنی بر سازماندهی استثمار خشن نیروی کار ارزان، سبانه تر و جنایتکارانه تر عمل کرده است. تاریخ کشمکش طبقاتی در ایران کارنامه سیاهی در سرکوب و ممنوعیت و قتل عام مخالفین سیاسی بطور اعم و کمونیست ها بطور اخص دارد. از قوانین رضا خانی بر علیه سازمان کارگری و کمونیستی تا عملکرد رژیمهای پهلوی و اسلامی، تاریخ شان با کشتار و ممنوعیت کمونیست ها عجین است. امروز در متن بحران حاد سیاسی که مسئله سرنگونی و تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی را در دستور روز قرار داده است، در کنار تلاش برای آلترناتیوسازی و دست بدست کردن قدرت سیاسی، آنتی کمونیسم جبهه ای است که سربازانش در درون حکومت و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و تبلیغاتی، در حاشیه حکومت با استفاده از رانت رژیم، در اپوزیسیون با استفاده از رسانه های رسمی و فالانژهای خیابانی سنگر گرفته اند.

علیه فقر و حجاب، علیه جهل و خرافه در مدارس و دانشگاهها

رحمان حسین زاده

عظیم اجتماعی و توده ای را برای تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی به میدان آورد. در خاتمه امید است سال تحصیلی جدید فرصتی باشد که دختران و پسران، نسل جوان سرزنده و پرتوقع و بالنده جامعه ایران با پس زدن همه مشکلات و سختیهای موجود، بیشترین موفقیتها را در عرصه تحصیل و در ابعاد متنوع زندگی کسب کنند.

شهریور ۱۴۰۳



نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



سازمانیافته فرهنگیان و معلمان را به میدان کشیده اند.

با قتل حکومتی مهسا امینی و آغاز خیزش انقلابی در دو سال قبل تردیدی نیست محیط های آموزشی به ستون محکم گسترش مبارزه انقلابی و رادیکال تبدیل شدند.

دانشگاهها و مدارس و حتی مدارس ابتدایی صحنه مهم اعتراضات پرخروش و انقلابی بودند. کاراکتر آزادیخواهانه و برابری طلبانه خیزش انقلابی دو سال قبل نه تنها در مقابل سرکوبگری و ترفندهای جمهوری اسلامی بلکه در تمایز با اقدامات و شعارها و سیاستهای اپوزیسیون راست توسط نسل جوان آگاه متعلق به قطب چپ جامعه نمایندگی شد. بیانیه ها و نوشته ها و شعارهای رادیکال، "نه روسری، نه توستری، آزادی و برابری" - "علیه فقر و تبعیض، میریم تا سرنگونی" - "فرزند کارگرانیم در کنارشان میمانیم" - "مرگ برستمگر چه باشه چه رهبر" را نسل جوان به عنوان نمادهای چپ و رادیکال خیزش انقلابی در دانشگاه و مدارس نمایندگی کردند. همراهی محکمتر و بیشتر معلمان مدارس و استادان دانشگاهها با دانش آموزان و دانشجویان یک خصلت قوی و مهم مبارزات درخشان سال قبل بود.

ترس و نگرانی سران جمهوری اسلامی از ادامه این همبستگی مبارزاتی است که سال قبل سیاست "خالص سازی" یعنی اخراج وسیع معلمان و استادان متعهد و زاویه دار با رژیم را در پیش گرفتند. جمهوری اسلامی با ادامه سرکوبگریها و اخراجهای وسیع و فشار بر نسل جوان طبعاً میتواند محدودیتها و موانعی را پیش پای عطش مبارزاتی این نسل ایجاد کند، اما قطعاً نمیتواند پتانسیل مبارزاتی در دانشگاه و مدارس را کنترل کند. رژیم بارها با این ترفندها به مقابله نسل جوان برخاسته و اما گام به گام مجبور به عقب نشینی های جدی و سرافکنندگی شده است. لفاظی پزشکین حلقه بگوش خامنه ای که گویا "قصد بازگرداندن تعدادی از استادان و معلمان و دانشجویان" اخراج شده به محیط های آموزشی را دارد، گوشه ای از تحمیل عقب نشینی به جمهوری اسلامی است که باردیگر و امسال هم این پدیده را تجربه میکنند.

امسال و در تداوم خیزش انقلابی دو سال قبل که دانش آموزان و دانشجویان خود یکی از مهمترین نیروهای محرکه آن بودند، انتظار اینست، جنبش و مبارزه انقلابی در دانشگاهها و محیط های آموزشی و در جنبش معلمان با خودآگاهی و سازمانیافتگی و اتحاد محکم فعالین آزادیخواه و برابری طلب گسترش یابد. توقع اینست با ارتقای دستاوردهای جنبش انقلابی دوساله اخیر و با ابتکار شبکه خودآگاه و به هم پیوسته جمعها و محافل آزادیخواه و برابری طلب و سوسیالیست جنبش متمایز و قدرتمند نسل جوان در برابر جمهوری اسلامی قد علم کند.

با پرچم مبارزه علیه فقر و تبعیض و علیه حجاب و جهل و خرافه، علیه کلاهی کردن آموزش و برای تامین کامل آموزش رادیکان عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ کنند. در اتحاد و همگامی با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال پتانسیل

صفحه ۴

علیه فقر و حجاب، علیه جهل و خرافه در مدارس و دانشگاهها

رحمان حسین زاده

در آغاز بازگشایی مدارس و دانشگاهها این درد عمیق را لمس میکنیم که به دلیل فقر و کمبود مالی، میلیونها نوجوان و جوان آماده تحصیل و با در نیمه راه آموزش نمیتوانند هم سن و سالهایشان را در مدارس و دانشگاهها همراهی کنند. بخش عمده فرزندان خانواده های کارگری و زحمتکشی و مهاجران افغان از تحصیل محروم و عده ای که به محیط آموزشی راه پیدا میکنند، با انواع محدودیتها و تبعیضات روبرو هستند. مسئولین دست اندرکار جمهوری اسلامی بی پرده اذعان دارند که حکومت فاقد برنامه ای برای تامین هزینه آموزشی تحصیلکردگان است. از کمبود مدارس و معلم، افزایش سرسام آور هزینه نوشت افزار، وسعت مدارس کپری و زیر چادر و خشت و گلی و ناامن، دو شیفته و مواردی سه شیفته بودن مدارس و از محرومیت تحصیلی نزدیک به سی درصد نوجوانان و جوانان علاقمند به تحصیل به دلیل مشکلات اقتصادی بیشمارانه سخن میگویند. این وضعیت ناشی از سیطره نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی و این سیستم جهنمی است. به همین دلیل بسیار زود بخش وسیع نسل جوان به ماهیت طبقاتی و استثمارگرانه سرمایه داری پی میبرند و جوانه های مبارزه جویی و تصمیم به دگرگون کردن و تغییر این نظم وارونه را انتخاب میکنند.

واقعیت تلخ دیگر اینست که چهار دهه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، دانش آموزان و دانشجویان ایران را با این پدیده متناقض روبرو کرده، که در کنار تلاش برای فراگیری دستاوردهای علمی و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی شایسته انسان امروز، همزمان با جهل و خرافه و افکار و عقاید قرون وسطایی اسلامی که در قالب دروس و آموزش بر محیط های آموزشی تحمیل شده دست و پنجه نرم میکنند. با تداوم حاکمیت این رژیم سال به سال ابعاد جهل و خرافه گسترش می یابد. طبق افاضات عصر حجری خامنه ای تعداد زیادی از مواد درسی دوباره بازبینی و هر جنبه غیر اسلامی از آن زدوده شده و بر طبق آیات قرآنی پوسیده ۱۴۰۰ سال قبل در حال بازنویسی اند. برای تحمیل این بساط خرافاتی و شصت و شوی مغزی دانش آموزان هزاران طلبه متحجر و آخوند مذهبی انگل از حوزه های جهلیه روانه مدارس میشوند. جمهوری نکبت اسلامی در نظر دارد مدارس و دانشگاهها را به شعبه های دیگر فیضیه های تولید خرافه اسلام و تربیت متعصبان مذهبی تبدیل کند.

در تقابل با کلیت این اوضاع یعنی علیه فقر و تبعیض و حجاب و جهل و خرافه و استبداد، در مقابل کلاهی کردن آموزش، محیط های آموزشی و به ویژه دانشگاهها همیشه کانون گرم مبارزات حق طلبانه بوده اند. نسل جوان در دانشگاههای ایران، چه در دوره سلطنت و چه در جمهوری اسلامی همیشه صف پیشرو آزادیخواهی و برابری طلبی و مبارزه علیه این وضعیت و استبداد و ارتجاع حاکم را شکل داده اند. به علاوه در سالهای اخیر مبارزات سراسری فرهنگیان و معلمان علیه شرایط بد آموزشی و فضای مختنق، علیه تبعیض و نابرابری، علیه حقوقهای پایین و کلاهی کردن آموزش و با خواسته های برحق آموزش رایگان، افزایش حقوقها و رفع تبعیضات چند جانبه، عملاجنبش

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

کردستان حزب کمونیست ایران و مریم مصطفی سلطانی از طرف شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، حزب چپ ایران، پروانه بوکاه از طرف واحد هانوفر اتحادیه Verdi، نماینده سازمان جوانان مبارز آلمانی، رادا فاتحی خواهر دادخواه رامین فاتحی از جانب‌اختگان خیزش انقلابی شهرپور و ابراهیم احمدی برادر فرشته احمدی از جانب‌اختگان خیزش انقلابی شهرپور ۱۴۰۱ سخنرانی کردند.

بریتانیا - لندن

شنبه ۱۴ سپتامبر به فراخوان کارزار علیه اعدام - لندن، همبستگی با مبارزات مردم ایران، حزب حکمتیست، چریکهای فدایی خلق، کلکتیو، تجمعی در گرامیداشت دومین سالگرد خیزش انقلابی ۱۴۰۱ بعد از قتل حکومتی ژینا- مهسا امینی در میدان پر تردد ترافالگار در مرکز لندن برگزار شد.

مجریان در تجمعی این روز رفقا سعید آرمان و فرانک حیدری بودند. در تجمعی نماینده سازمانها و احزاب سخنانی ایراد کردند و بیانیه مشترک همبستگی با مبارزات مردم ایران و کارزار علیه اعدام - لندن به زبانهای فارسی و انگلیسی توسط صحرا بهار و الماس فرضی قرائت گردید.

محمد هوشی از طرف چریکهای فدایی، رفیق دشتی جمال از جانب کمیته همبستگی با کارگران ایران و جنبش زنان، رفیق هلاله طاهری ضمن ایراد سخنرانی از جانب نهاد زن و جامعه متنی را به نیابت از جمعی از فعالین سیاسی ایرانی مستقر در کردستان عراق قرائت نمود که در آن متن خواهان برسمیت شناختن ۲۵ شهریور بعنوان "روز جهانی مبارزه علیه آپارتاید جنسیتی" بود، محسن کریم از جانب حزب کمونیست کارگری کردستان، ناهید از جانب نهاد کلکتیو، مریم نمازی از جانب یک قانون برای همه سخنرانی کردند. تلویزیون ایران اینترنشنال در حین برگزاری مراسم که ۴ ساعت بطول انجامید بطور زنده تجمعی را گزارش کردند و با چند تن از رفقای حاضر در تجمعی از جمله سعید آرمان، فرانک حیدری، الماس فرضی و اشکمه‌بارزان مصاحبه بعمل آوردند.

گزارش تظاهراتهای دومین سالگرد گرامیداشت خیزش انقلابی ۱۴۰۱ در خارج کشور

روزهای شنبه و یکشنبه ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت برابر با ۱۴ و ۱۵ سپتامبر در کشورهای مختلف جهان بویژه اروپا و آمریکای شمالی تظاهراتهای وسیع و متنوعی برگزار شد.

حزب حکمتیست در برخی از شهرهای اروپا از جمله لندن، استکهلم، گوتنبرگ و کلن از فراخوان دهندگان این تجمعات بوده و اعضا و فعالین و دوستداران حزب در آنها حضور فعال داشتند.

سوئد - استکهلم

روز یکشنبه ۱۵ سپتامبر ساعت ۲ بعد از ظهر تشکیلات استهکلم حزب همراه با شورای استهکلم و شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به مناسبت سالگرد خیزش ۱۴۰۱ آکسیون اعتراضی در مینت توریت جلو پارلمان سوئد برگزار کرد. شرکت کنندگان علیه رژیم با زبانهای فارسی و سوئدی شعار می‌دادند. نمایندگان احزاب و تشکلهای در این تظاهرات سخنرانی کردند. رفیق سیاوش دانشور از جانب حزب حکمتیست سخنرانی کرد که مورد توجه حاضرین قرار گرفت.

سوئد گوتنبرگ

روز شنبه ۱۴ سپتامبر در شهر گوتنبرگ سوئد به فراخوان حزب حکمتیست همراه با سایر جریانات چپ در سالگرد خیزش شهریور ۱۴۰۱ بعد از قتل حکومتی مهسا- ژینا امینی همراه دیگر نیروهای چپ آکسیون همبستگی با جنبش اعتراضی برگزار شد. آکسیون با یک دقیقه سکوت بیاد جانباخته‌گان آغاز شد. در این آکسیون رفیق کریم نوری از طرف حزب حکمتیست به زبان سوئدی سخنرانی کرد. آکسیون گوتنبرگ اساسا در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه حکومت اسلامی و در همبستگی با خانواده‌های دادخواه از قربانیان کشتار وحشیانه دهه شصت تمرکز داشت.

آلمان کلن

تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بیمرز با هماهنگی با حوزه کلن حزب کمونیست ایران فراخوان مشترکی صادر کردند. با هماهنگی ایجاد شده با شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران - کلن و کومه‌له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان، حزب چپ ایران و شورای حمایت از مبارزات مردم در ایران - درکلن آکسیون دومین سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ شنبه ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴ برگزار شد. کادرها و اعضا حزب حکمتیست در این آکسیون شرکت داشتند. از طرف حزب حکمتیست رفقا صالح سرداری به زبان فارسی و امیر عسگری از طرف سازمان بیمرز به زبان آلمانی سخنرانی کردند و رفیق حیات الماسی نیز پیام خود را به زبان کردی قرائت کرد.

در تجمعی کلن نمایندگان حزب کمونیست ایران، کومه له سازمان

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!



“مرگ بر سه مفسد، ملا، چپی، مجاهد” از سوی یاسمین پهلوی و تبلیغات گسترده آن از سوی طرفداران و چماق بدستان پهلوی شدیم که هنوز شاهد چنین جو فاشیستی در این جریان ورشکسته سیاسی هستیم.

این مفت خوران و جانپان یعنی از فائزه رفسنجانی، علیرضا داوری و تمامی طرفداران منتقد رژیم اسلامی تا طیف پهلوی و سلطنت طلبان همگی به خوبی میدانند، فقط چپ و کمونیست است که اگر به قدرت برسد، دیگر جایی برای سودجویی و رانت خواری و دزدی و استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه برایشان باقی نخواهد ماند. اینان بخوبی می دانند که اگر کمونیسم در ایران پیروز شود دیگر نخواهند توانست با هزاران فریب و دروغ ذخایر ارزشمند کشور را غارت کرده و انگل زاده گانشان در چهار سوی جهان به زندگی اشرافی ادامه دهند و به همین جهت است که از همین الان با توجه به نقش چپ و کمونیست در جنبشهای اجتماعی می خواهند قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی چپ و کمونیست را سر ببرند تا بلکه شانس برای فردای سرنگونی داشته باشند.

دارو دسته سلطنت طلب همانطور که رضا پهلوی بارها اعلام کرده با اطلاعات و نهادهای امنیتی در ارتباط هستند و بارها طرح های مختلفی از جمله “از تاجزاده تا شاهزاده” را مطرح کرده اند. بخشی از بدنه جمهوری اسلامی در ایران که از قدرت سیاسی بیرون انداخته شده اند می خواهند نیروهای چپ و کمونیست را از همین حالا به جوخه های دار بسپارند تا فردا که رژیم اسلامی سرنگون شد شانس برای فعالیت سیاسی و مفت خوری داشته باشند. طرفداران پهلوی و سلطنت طلبان هم با حمله به چپها از هم اکنون می خواهند فضا را برای سربریدن انقلاب پیش رو آماده کنند. این عده همواره خواب رژیم پنج از طریق حمله نظامی ناتو و اسرائیل در سر میپروانند و از این جهت چپ کشی و نسل کشی کمونیستها را تبلیغ میکنند تا به بلکه به اهدافشان برسند.

وظیفه چپ و کمونیست و تمامی نیروهای آزادیخواه که خواهان آزادی بیان، رفاه، برابری برای همگان هستند مقابله جدی با سیاستها و تبلیغات چپ ستیزانه و فاشیستی که از سوی انگل زادگانی مانند فائزه رفسنجانی در همکاری با نیروهای امنیتی تنظیم و تبلیغ شده و همچنین از سوی دارودسته سلطنت طلبان تبلیغ میشود، می باشد.

چپ و آزادیخواهان باید بار دیگر قدرت خود را هم به جمهوری اسلامی و هم جناح سلطنت طلب نشان دهند.

19 سپتامبر ۲۰۲۴

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

تهدید چپ ها و کمونیستها، هم جیتی فائزه رفسنجانی، عبدالرضا داوری و سلطنت طلبان

امیر عسگری

اخیرا فائزه هاشمی رفسنجانی، انگل زاده اکبر هاشمی رفسنجانی از سیاستمداران پشت پرده سیاستهای مهم جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته که نتیجه سیاستهای فقر، فلاکت، سرکوب و کشتار و ترور مخالفین در داخل و خارج کشور بوده، پس از اینکه تلاش هایش در جهت چسباندن خود به زندانیان سیاسی همانند یک وصله ناچسب بی اثر ماند؛ در طی توبه نامه ای به چپ و کمونیست در زندان زهر خود را ریخت و همزمان با لجن پراکنی و درج غیر واقعیات در انکار بیشمارانه وضعیت زندانیان سیاسی، شکنجه، عدم رسیدگی درمانی و وضعیت فلاکتبار بهداشت و غذا و فعالیتها و وارونه نشان دادن تصمیمات زندانیان سیاسی، تلاش کرد تا ضمن خوش خدمتی به جمهوری اسلامی بعنوان نیروی نفوذی در بین زندانیان وجهه تمیز و پر افتخار فعالین زن چپ زندانی را خدشه دار کند، اما چهره کریه خود را عیان تر کرد.

چند روز از این نامه سرتاپا امنیتی و ضد چپ و کمونیست نگذشته که عبدالرضا داوری از معاونین و مشاورین پیشین محمود احمدی نژاد خواهان چپ و کمونیست زدایی از جامعه یعنی چپ کشی میشود. ادبیات لمپنازه و فاشیستی علیه چپ و کمونیست در جامعه ای که جنبش چپ و سوسیالیستی یکی از جنبشهای موثر در تحولات سیاسی کنونی است. ادبیاتی که با خط فکری اربابش احمدی نژاد تفاوتی ندارد. در اعتراضات ۸۸ تمامی معترضین را خس و خاشاک نامید، در خیابانها خونها جاری شد، ندا آقا سلطان ها کشته شدند و فاجعه زندان قرچک و کشتار مخالفین رژیم اسلامی به اوج خود رسید.

این رویکرد فاشیستی و ضد چپ فقط مخصوص فائزه رفسنجانی و عبدالرضا داوری نیست بلکه جمهوری اسلامی و بدنه تازه مخالف شده آن نیز خواهان قلع و قمع و نسل کشی تمامی کمونیستها هستند. نکته جالب اینجاست که همزمان با انتشار نامه فائزه رفسنجانی و اظهارات عبدالرضا داوری رسانه های مبلغ پهلوی همچون “کوچه” به تبلیغ چپ ستیزی و لزوم حذف چپ و کمونیست از جامعه و سخنان فاشیستی یاسمین پهلوی که خواهان مرگ چپ و کمونیست است میپردازند.

در پادکست کوچه اذعان می دارد که تحلیل یاسمین پهلوی در رابطه با خطر چپ برای فردای ایران درست بوده و به نوعی ضمن لجن پراکنی به چپ و سوسیالیسم پروپاگاندا فاشیستی خود را پیش میبرند.

از همان ابتدا خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ در حالی که شعار “مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه، چه رهبر” و “نه سلطنت، نه رهبری، دمکراسی، برابری” در خیابانها و دانشگاهها بلند بود و همزمان با تلاش رضا پهلوی و همراهانش برای آلترناتیوسازی دار و دسته خود بودند، دو منشور از سوی فعالین مختلف کارگری و مزد بگیران انتشار داده شد و به صراحت می توان رد پای گرایش سوسیالیسم و چپ را در آنها یافت. در این شرایط که نقشه های سلطنت طلبان و رژیم چنجی های دست به دامن پنتاگون و ناتو مستاصل شد و شاهد سردادن شعار:

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



کند به مرخصی می‌رود و کارهای درمانی‌اش انجام می‌شود. طبیعتاً خبر از اعزام شدن و کنسلی‌های اعزام توده‌ی در بند ندارد. توده‌ای که حتا با اعزام‌شان به صورت تحت‌الحفظ برای شرکت در مراسم تدفین عزیزان‌شان

مخالفت می‌شود و داغ نشسته بر دل‌هاشان دوچندان می‌شود. بسیاری از هم‌بندیان پس از سال‌ها حبس همچنان از حق مرخصی محرومند. دریافت یک قوطی قرص ویتامین یا دریافت لوازم طبی و بهداشتی بعد از هفته‌ها دوندگی و در صورت تایید بهداشتی و حفاظت زندان انجام می‌شود و بعد از مدتی دپو در حفاظت تحویل زندانی می‌شود. رانت یعنی هر روزی که قوطی قرص‌های ویتامین خالی شد، خانواده بتوانند اقلام مورد نیاز را به سرعت مهیا و در روز، تاکیداً روز مطالبه تحویل بدهند.

ما و هم‌بندیان بیمار و بدون واریزی‌مان در ندامت‌نامه‌ی کسی افشاگری! و محکوم شدیم که از هرگونه رانتی که در زندان میسر است، استفاده می‌کند و در شرایطی تبعیض‌آمیز با ما زیست می‌کند اما ما با وجود تضادهای ایدئولوژیک و طبقاتی همواره با او مدارا کردیم.

ما، که مبارزه را این‌گونه آموختیم:

در زندان و تحت فشار حاکمان، در تبعید و در هم‌زیستی با هر گونه‌ای از محکومان سیاسی و غیر سیاسی، در اوین، در قرچک یا در زندان‌های شهرستان، در انفرادی و زیر بازجویی و در بی‌خبری کامل از خانواده و بی‌اطلاع از فرزند و فرودهای جامعه، با محکومیت‌های سنگین یا پیاپی، نه مایوس می‌شویم و نه از ادامه‌ی مبارزه دست می‌کشیم. بعد از محکومیت و محرومیت و ممنوعیت‌های چندباره همچنان بر آنچه باور داریم ایستاده‌ایم. تبعات هیچ فشار و تهدیدی ما را از "باور"ی که داریم دور و جدا نخواهد کرد. چرا که ما "باور"ی داریم که شاکله و اساس مبارزه است و حیات سیاسی‌مان را رقم می‌زند. نه از پی فرصت به میدان آمده‌ایم و نه عرصه‌ی مبارزه میراث پدری‌مان بود. با پای پیاده قدم در مسیری پر سنگلاخ گذاشتیم. از آن روست که هنوز ایستاده‌ایم، بی‌آنکه سر خم کنیم. نه از تهدید حکومت هراسی به دل راه می‌دهیم و نه از تخریب و سیاه‌نمایی بازوان پنهان قدرت. خط امنیت را خوب می‌شناسیم و در دام بازی‌های امنیتی و طراحی سوخته و نخ‌نمای حکومت و حکومتیان نخواهیم افتاد. ما در برابر استبداد، استثمار و دیکتاتوری قد علم کردیم. ما را چه کار با لگد خورده‌ای در سودای بازگشت به خویشتن خویش که به بهای غلط کردن نامه نوشتن، به بقای نظم موجود می‌کوشد و با عقب‌گرد از مواضع، نگین انگشتر اصحاب رسانه‌های حکومتی می‌شود. ما برای درک قدرت خود، صف‌آرایی حریف را سنجه می‌کنیم و برای شناخت حریف، هم‌سویان و هم‌قطاران و تایید کنندگانش را مرور می‌کنیم.

بند زنان اوین که در ماه‌های اخیر صدای اعتراض به کرات به آن سوی دیوارها رسید، سال‌هاست که خانه‌مان شده است. اما ما به آن خو نگرفته‌ایم و همچنان به فرو ریختن دیوارها می‌اندیشیم. چرا که ما از پی اندیشه‌ای، باوری، هدفی به این‌جا آمده‌ایم.

پاسخ گلرخ ایرایی زندانی سیاسی در زندان اوین به نامه فائزه هاشمی

گفته‌های نهادهای امنیتی و سازمان زندان‌ها علیه زندانیان سیاسی کارکرد خود را برای افکار عمومی از دست داده است. خط امنیت از پا نمی‌افتد و اهداف خود را به طرق مختلف برآورده می‌کند.

اخیراً نامه‌ای که بی‌شبهت به یک ندامت‌نامه نیست، توجه افکار عمومی را به خود جلب کرد. متنی که در آن، فائزه هاشمی رفسنجانی یکی از هم‌بندیان با ایستادن در کنار زندان‌بان، مدعی شد "قرار است توسط هم‌بندیان خود به قتل برسد" و نوک پیکان حمله را به سوی چپ‌ها و فعالان حقوق بشری بند گرفت و آنان را "طبل‌های توخالی و دیکتاتورهای کوچک" خطاب کرد.

من یکی از هم‌بندیان چپ او هستم. با وجود مرزبندی قاطع و روشن و تضادهای ایدئولوژیک و طبقاتی موجود، بنا بر تصمیم جمع (بعد از ورود وی به بند و اجبار بر هم‌زیستی) با او که به هیئت یک هم‌بندی درآمد، مدارا شد؛ در جایی که دیگر جای شعار نیست. جایی که همه عریانییم در برابر هم و تنی واحد هستیم در برابر زندان‌بان، مگر آنکه به واسطه‌ی عقب‌گرد از مواضع، وصله‌ای ناجور شویم بر این تن واحد.

تنی واحد که همواره رنج می‌برد از دردهای هم‌بندی مبتلا به تومور مغزی، مبتلا به ام‌اس، بیماری‌رانی با ریسک بالای حمله‌ی قلبی، مبتلایان به صرع که یکی‌شان باردار است، بیماران ریوی مبتلا به آسم و افرادی با درد مفاصل و مشکلات کهولت سن و...؛ بیماری‌رانی که نیاز به مداوا دارند اما گاه با معاینه توسط پزشک عمومی زندان در بهداری بدون امکانات تخصصی لازم، نه درمان، بلکه فقط ویزیت می‌شوند. ما تنی واحدیم که می‌فهمیم تعدادی از هم‌بندیان‌مان هیچ واریزی در طول ماه ندارند. همان‌هایی که گفته شد می‌توانند از "جیب خودشان" از فروشگاه زندان مایحتاج‌شان را تامین کنند. مدت‌هاست گوشت از جیره‌ی غذایی زندان حذف شده است و باقی‌اقلام به شکل چشم‌گیری از لحاظ کمی و کیفی تنزل یافته. خرید از فروشگاه برای برخی غیرممکن است و در صورتی می‌توان گفت از "جیب خود" کمبود مواد خوراکی، بهداشتی و لوازم‌التحریر را تامین کنید که پیش‌تر گفته باشیم "از کدام جیب؟" یا "از جیب کدام پدر؟" و در صورتی می‌توان از تبعیض گفت که خود از رانت و امکانات موجود، برای ورود اقلام مصرفی مرغوبی که با شیوه‌ای تعریف نشده در آیین‌نامه‌ی سازمان زندان‌ها و با مجوز ویژه و برخوردار از رانت حکومتی وارد می‌شود؛ استفاده نکرده باشیم. رانتی که در ملاقات‌های هفتگی کریه‌تر خود را نشان می‌دهد. روز ملاقات بند زنان یک‌شنبه است. عموماً حدود ۲۰ نفر هر هفته ملاقات حضوری دارند. در سالی شلوغ و به مدت یک ساعت، آن هم ماهی یک‌بار. برخوردار از رانت یعنی اینکه هر هفته، اعضای درجه یک و درجه دو خانواده را در روزی جدای از یک‌شنبه‌های شلوغ، در شرایطی ویژه به مدت نامحدود (عموماً از ۱۰ صبح تا یک ظهر) ملاقات کنند. استفاده از رانت و تبعیض زمانی پررنگ‌تر می‌شود که بسیاری از زندانیان سیاسی در صورت لزوم نیز از حق مرخصی محرومند؛ اما آنکه از رانت حکومت حتا در زندان برخوردار است، با دیکته‌ی تاریخ و ساعت مرخصی به زندان‌بان به امورات مالی میراث پدری رسیدگی می‌کند و در زمان افتتاح بیمارستان خانوادگی، خود را به مراسم افتتاحیه می‌رساند. هر گاه اراده

پاسخ گلرخ ایرانی زندانی سیاسی...

در بندی فوق امنیتی. حیاط کوچکی که ورودی بند است با راهروی حدوداً ۲۵ متری به راهپله می‌رسد. راهپله‌ای که به اتاق‌ها ختم می‌شود. همین چند قدم با شش در آهنی بزرگ قفل و بست می‌شود. در این فضای جهنمی زنانی که بسیاری‌شان تا کنون پشت یک نهیب ساده و پدران خم به ابروی‌شان نیامد، بعد از سپری‌شدن بازجویی و هتک حرمت و دلتنگی‌های بسیار، پای مبارزه می‌ایستند. برای "رضا رسایی"‌ها که دیگر نیستند و برای مجاهد کورکور که باید بماند. برای شریفه که هنوز تاب و شکن موهایش را ندیده‌ایم و برای پخشان که حالا پاره‌ی تن‌مان، رفیق عصرهای دلگیر زندان و شب‌های تارمان است.

بند زنان با دیوارهای سنگی و بلندش، با درهایی که هر سال بر تعدادشان افزوده شد و با ماموران و پاساران کلید به دستش، صدای حق‌خواهی نشده است؛ بلکه با مادرانی که فرزندان‌شان را پشت باورهای سخت و دیوارهای نامهربان و سالیان دوری جا گذاشته‌اند، با زنانی که رویاها و آرزوهای‌شان را در آینه‌هایی زنگارسته با تارهای سفید موها و چروک‌های پای چشم‌هایشان عوض کرده‌اند و با فریادهایی که بر تپه‌های اوین بر سر ارتجاع، استبداد و استعمار بلند کرده‌اند؛ بند زنان شده است.

بند سال‌هاست بدون دخالت زندان‌بان اداره می‌شود. برخلاف بندها و زندان‌های دیگر که وکیل‌بند، منتصب رئیس زندان و حفاظت است. این اتوریته‌ای که زندان‌بان را به کرنش و عقب‌نشینی وادار کرد، طی سال‌ها تلاش همه‌جانبه‌ی بچه‌ها از همه‌ی طیف‌های سیاسی به دست آمد. ما که بر خلاف دیگر زندان‌ها می‌توانیم هر سه ماه یک بار برای انتخاب وکیل‌بند، اعضای شورا و تقسیم مسئولیت‌های بند برای اداره‌ی بهتر، بدون دخالت زندان‌بان دور هم بنشینیم و در فضای دموکراتیک، کسانی را از بین خود به صورت دوره‌ای انتخاب کنیم، خود را وام‌دار بچه‌های قدیمی و تلاش‌های‌شان می‌بینیم. وکیل‌بند برای امورات کلی بند و از هر اتاق یک نفر به عنوان مسئول شورا. کلیه‌ی مسئولیت‌های بند نیز بنا به درخواست افراد و شور اعضای شورا با وکیل‌بند، به عهده‌ی افراد محول می‌شود.

این خود مدیریتی، در ساختمانی که از یک سو به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات و از سوی دیگر به بند دو الف اطلاعات سپاه و از دیگر سو به بند ۲۴۱ اطلاعات قوه قضائیه می‌رسد و درحالی‌که سانت به سانت بند توسط دوربین‌های مداربسته‌ی تحت نظارت زندان و ارگان‌های امنیتی رصد و شنود می‌شود، برای‌مان ارزشمند است و حفظ آن به بخشی از مبارزه‌مان بدل شده است. همان‌طور که بر سر احکام مرگ صادره می‌ایستیم؛ همان‌طور که در صورت عدم اعزام هم‌بندیان‌مان برای درمان، در کنارشان می‌ایستیم؛ همان‌طور که وقتی کسی در اعتصاب غذاست در کنارش و برای هدفش حتماً هدفی شخصی به اعتراض برمی‌خیزیم؛ همان‌طور که دو نوزاد در بند و دیگر نوزاد در شکم هم‌بندی‌مان را، فارغ از نگاه سیاسی و عقیدتی مادر، فرزند خود می‌دانیم؛ همان‌طور که برای سربه‌دار شدن "رضا رسایی" فریاد حق‌خواهی‌مان و شعارهای‌مان در نفی اعدام را به آن‌سوی دیوار رساندیم؛ همان‌طور که برای بیرون راندن قضات و معاونان و محافظان‌شان از بند، دیوار انسانی تشکیل دادیم؛ بر سر اداره‌ی بند، بدون دخالت زندان‌بان که حق‌مان و امانت رفقای قدیمی‌ست نیز می‌ایستیم. سیاه‌نمایی از این دستاوردها که متعلق به ده‌ها زندانی فعلی و پیشین است، هم‌زمان با سفیدشویی از سازمان زندان‌ها و قوه‌ی

قضائیه‌ی جمهوری اسلامی و انعکاس و حمایت تمام‌قد از جانب رسانه‌های حکومتی و حکومتیان نام‌آشنا که همه‌ی عمر علیه دموکراسی کوشیده‌اند و سال‌هاست تحت لوای اصلاح‌طلبی مسیر مبارزه را به بی‌راهه برده‌اند و هنوز به استبداد دینی خدمت می‌کنند، گویای یک حقیقت است؛ تخریب مبارزه‌ی شکل گرفته، به نفع حکومت و ایجاد ناامیدی برای جامعه و مایی که خواستند از جامعه جدای‌مان کنند.

حال این شیوه‌های دموکراتیک برای اداره‌ی بند، سیاه‌نمایی می‌شود و کسی که از دامن اشرافیت و قدرت به این‌جا آمد و هرگز، تاکیدا هرگز و در هیچ زمینه‌ای منتخب بچه‌های بند سیاسی نبود، در فراری رو به جلو اهالی بند را به دیکتاتور بودن محکوم می‌کند.

زندان عموماً ماکتی از جامعه‌ی بزرگ‌تر آن‌سوی دیوار است. مناسبت‌ها را دور هم می‌نشینیم. از سالگرد کشتار خونین ۱۳۶۷ تا هشت مارس. از یک می تا سالگرد خیزش انقلابی ۱۴۰۱. جلسات بحث و تحلیل، کلاس‌های آموزشی در باب فمینیسم و بررسی احکام اعدام، دیدن فیلم‌های اجتماعی به صورت گروهی و فردی و آموزش زبان و بررسی اتفاقات روز جامعه و جهان، برگزاری شب شعر و جلسات ادبی و معرفی و تحلیل کتاب و ورزش گروهی.

با هم و جمعی اعتصاب غذا کردیم و بارها در تحصن جمعی علیه اعدام و سرکوب، شب را در برابر افسر نگهبانی بند یا در هواخوری زندان به صبح رساندیم و هر بار حضورمان را با جامعه‌ای که خواستند از آن حذف و جدای‌مان کنند پیوند زدیم. سرود خواندیم و شعار دادیم بی‌آنکه از تبعات تهدیدها هراسی به دل راه دهیم. بر قطع تحمیلی ارتباط خود با جامعه غلبه و شور مبارزه را در خود و دیگری تقویت کردیم و همچنان به هدف می‌اندیشیم. چرا که ما "باور"ی داریم که شاکله و اساس مبارزه‌مان است و حیات سیاسی‌مان را رقم می‌زند.

این گوشه‌ای از "ما" و روزمره‌گی‌هایمان است.

مایی که در کنار شنیدن اخبار هولناک، تحلیل‌های هولناک‌تری را می‌شنویم.

ساعت ۹ صبح ۱۷ آذر ۱۴۰۱ به دار آویخته شدن محسن شکاری از شبکه خبر تلویزیون جمهوری اسلامی اعلام شد.

صدای فائزه هاشمی رفسنجانی هم‌بندی افشاگر! از یاد نمی‌رود که بعد از خبر گفت: "خب اینا که معترض نیستن. اینا خطرناکن. آگه نکنشون چه کار کنن باهاشون".

بعدها بر سر امضای بیانیه‌ای با عنوان اعدام و سرکوب در تابستان ۱۴۰۲، خواست که همراه شود. به جهت اصرار بر انجام کار جمعی، طی جلسه‌ای برای امضای بیانیه پذیرفته شد و با ما زنان بند سیاسی متنی مشترک را امضا کرد.

بعد از مرگ رئیسی و زمزمه‌های بازگشت اصلاح‌طلبان با تصور پیوستن دوباره به اقتدار و رویای بازگشت به قدرتی که از آن بیرون رانده شده بود، به خویشتن خویش بازگشت؛ اگرچه برای ما که در هم‌زیستی با او هستیم هرگز از اصل خود دور نبود. جاه‌طلب، با نگاهی آمرانه و از جایگاه قدرت. استاد دانشگاه در رشته‌ی حقوق بین‌الملل اما با قلمی کوتاه و میزان نگران‌کننده‌ای از دانش برای تدریس به جوانان در دانشگاه. (استاد در پایان

پاسخ گلرخ ایرانی زندانی سیاسی...

افشاگری قافیه کم آورد و به تعبیر خواب و خرافه متوسل شد.

پس از انتخاب پزشکیان و اتحاد حزب کارگزاران سازندگی (حزب سرمایه‌داران بزرگ درون طبقه حاکمه) با هسته‌ی قدرت، باید از وانمود به اپوزیسیون بودن عقب‌نشینی و ابراز پشیمانی می‌کرد تا از قدرت و بودجه و سیاست دوباره بهره‌مند شود.

زمانی به جمع اپوزیسیون پیوست، بی‌آنکه از گذشته اعلام براءت کرده باشد. براءت از گذشته آدابی دارد. آن هم برای کسی که در سال‌هایی خوفناک از عمر یک حکومت، بر کرسی مجلس نشست باشد. به یک‌باره نمی‌توان بدون هیچ توضیحی از دل حکومت به دامان اپوزیسیون پرتاب شد.

حال نیز به همان شیوه با ادعای دموکرات نبودن اپوزیسیون به آغوش رژیم می‌خزد که نامش بر تارک حکومت‌های دیکتاتوری تاریخ حک شده است.

پس از ناامیدی از اپوزیسیون توخالی! و دیکتاتور منش!، چرخان‌سازی نمی‌کند و اپوزیسیون دموکراتیک را دور هم و حول ادعایش جمع نمی‌کند؛ شاید به این دلیل که توان جریان‌سازی را هیچ‌وقت نداشته و در تمام طول حیات سیاسی‌اش، جز پیوستن به حزب پدری و اداره‌ی دفتر و دستک آماده‌ی دکانی که برایش بنا شده بود، هیچ نکرد؛ که آن نیز همیشه با "جنجال" و موج‌سواری همراه بود.

از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹ نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی بود. قتل‌های زنجیره‌ای تا سال ۱۳۷۷ ادامه داشت. یعنی تا میانه‌ی دوره‌ی نمایندگی وی. می‌توانست از آن‌زمان تا کنون در جایگاه پاسخ‌گویی و افشاگری بر سر قتل‌های زنجیره‌ای بایستد و همان‌قدر که از پدرش در قضیه‌ی قتل‌های زنجیره‌ای دفاع کرد، از قربانیان و رنج‌ها و وحشت خانواده‌های‌شان نیز بگوید. از سال ۱۳۷۸ و کوی دانشگاه و نابودی "جنبش دانشجویی" بگوید. از مفقودان و کشته شدگان و آسیب‌دیدگان کوی دانشگاه. از اخراجی‌ها و محکومان به حبس‌های طولانی. واکنشی واضح و مؤثر به فجایع کوی دانشگاه، نه روایاتی مضحک از نشستن در ماشین با فرزندانش و تکان دادن ماشین توسط گروه فشار در شب‌هایی که فرزندان مردم از پشت‌بام خوابگاه به پایین پرتاب می‌شدند و او نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی بود. مگر می‌توان به فاجعه‌ی کوی دانشگاه فکر کرد و نپرسید "سعید زینالی کجاست؟" مگر می‌توان جسارت و شهادت افشاگری داشت! و از فجایع سال ۱۳۷۸ که دانشجویان را و دانشگاه را به خاک و خون کشیدند نگفت و سکوت کرد و زبان به مصلحت‌سنجی و ذلت‌گزیدگی مگر می‌توان از دانشجویان تهران و تبریز در فاجعه‌ی ۱۳۷۸ نگفت و آمران و عاملان جنایات آن سال‌ها را افشا نکرد. مگر می‌توان از اعدام‌هایی که در چهار سال تصدی او در مجلس شورای اسلامی، به دست حکومت انجام شد نگفت و مدعی افشاگری شد؟

آن هم افشای ما در روزهایی که در جلسات چند نفره و گروهی،

برنامه‌های پیشنهادی را با هم تقسیم و خود را برای سالگرد خیزش آماده می‌کردیم. یک هفته پیش از سالگرد مهسا ژینا امینی، هر روز عصر به سیاق سال گذشته به هواخوری زندان رفتیم و همراه با شما که در خانه‌هایتان شعار شبانه می‌دهید، سرود خواندیم و شعار دادیم. تهدید شدیم و ماندیم. محروم از تلفن و ملاقات شدیم و ادامه دادیم. ابلاغ جدید به دستمان دادند و ایستادیم و در میانه‌ی راه از ندامت‌نامه‌ی هم‌بندی شنیدیم که با سودای بازگشتن به قدرت به قصد تخریب "ما" که مبارزه را زندگی می‌کنیم، سقوط خود را رقم زد و چه جانانه.

به واقع زندان ماکتی از جامعه است. همان شور و همان فرونشستن‌ها. همان امیدها و همان سرخوردگی‌ها.

ترویج ناامیدی، اعلام عدم شرکت در انتخابات و هم‌زمان تشویق زنان زندان به شرکت در انتخابات حکومتی و سوق دادن فضا به سمتی که برای اولین بار زندان‌بان میل به ورود صندوق رای به بند زنان اوین کند را محکوم می‌کنیم. آموزش توابی و هل دادن افراد به سوی ارتباط با اطلاعات و حفاظت زندان که همیشه خط قرمز بند بود را بر نمی‌تابیم و ایستادن در برابر این خط امنیتی را اگر ضدیت با دموکراسی خطاب کنند، به توضیح آن برمی‌آییم. تلاش برای تواب کردن زندانیان سیاسی شیوه‌ی دیرینه‌ی رژیم است و تواب شدن نیز حدیثی مفصل و قدیمی‌ست. در برابر ترویج شیوه‌های محکوم رژیم در بند سیاسی به اعتراض برمی‌خیزیم.

ما زنان چپ و زنان حقوق بشری در بند زنان اوین، واضحا مورد حمله‌ی یک اشراف‌زاده که تمام داشته‌هایش حتا مقام استادی و حیات سیاسی‌اش رانت و میراث پدری است قرار گرفتیم و این خود سندی قاطع بر درستی ماست که هرگز بر او و منافعی که از لای انگشتانش می‌چکد چشم نداشته و هر لغزشی از او را گوش‌زد و شماتت کردیم. اگرچه هرگز بر صندلی داغ نشاندمش و از کشتار دهه‌ی خونین ۶۰ و جایگاه و نقش خانواده‌اش (که تاکیدا بری از هر جنایتی خطابشان می‌کند) در آن روزها نپرسیدیم؛ اما زمانی که وانمود کرد آزادی‌خواه است و از گذشته‌اش تبری جویی نکرد، زیر سوالش بردیم و زمانی که اعتصاب غذای اعتراضی و یک روزه را با خوردن میوه و نوشیدن لبنیات به سخره گرفت، محکومش کردیم تا از این تنها سلاح زندانیان دفاع کرده باشیم.

اشراف‌زاده‌ای بدون پرنسیب‌ها و اصول فعالیت سیاسی و مبارزه، نماینده‌ی طبقه و تفکری که جمهوری اسلامی بر آن بنا شده، با سودای بازگشت به "قدرت" به تخریب مخالفان رژیم و سیاه‌نمایی از بند زنان زندان اوین که پیش‌تر به نابودی آن برخاسته بودند و نشد ایستاد. کسی که اتمسفر زندگی‌اش به حدی امن است که بازداشت می‌شود ولی با اضطراب و مخاطرات یک شهروند در شرایط مشابه مواجه نیست.

ساده پنداشتن آن‌چه در حال وقوع است و هم‌سو با اهداف امنیتی، "مقاومت" و "مبارزه" را هدف قرار دادن، خیانت می‌دانیم. اگر برخلاف این است، تمایل به شنیدن واضحات از سوی افکار عمومی و نیروهای سیاسی پیشرو داریم.

گلرخ ایرانی

شهریور ۱۴۰۳

زنده باد برابری زن و مرد!



دستگیر شده در دوره خیزش شهریور ۱۴۰۱ و سایر خواسته‌های مهم خواهند شد.

بعلاوه کانونهای صنفی معلمان در شهرهای مختلف و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان در ایران در برابر نقشه

های حکومت در جهت تحمیل کردن تشکل‌های پرو رژیم بجای تشکل‌های مستقل، باید تشکل‌های مستقل معلمان که در سال‌های گذشته به دلایل امنیتی زیر ضرب قرار گرفته اند را ترمیم و تقویت نموده و سازماندهی رادیکال خود را همانند سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ جهت رسیدن و تحقق خواسته‌های صنفی و کلان خود را پیش ببرند.

در سال جدید تحصیلی باید شاهد سازماندهی و تشکل یابی رادیکال در سطح عمومی در دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز آموزشی بود.

29 شهریور ۱۴۰۳

افغانستانی ستیزی تا مرز فاشیسم

سعید آرمان

و برخورد‌های غیر انسانی جمعی از پناهجویان به جای محاکمه و مجازات فرد یا افراد خاطی به مجازات دسته جمعی و گروهی در ابعاد کلان متصل می شوند و اخراج پناهجویان را در نزد مردمان این جوامع قابل قبول قلمداد می کنند.

در مورد جمهوری اسلامی تحقیر و برخورد‌های نژادپرستانه به پناهجویان افغانستانی به قدمت حضور خود آنها در ایران است. مردم شرافتمند ایران باید به این برخورد‌های ضد انسانی حساسیت نشان بدهند. تصور کنید فرزندان خودتان فاقد شناسنامه و از تحصیل محروم باشند، با نگاه تحقیر آمیز به زنان ایرانی که همسرانشان افغانستانی است برخورد میکنند و حق سکونت همسر و فرزندان را در سرزمین ایران از آنها محروم میکنند. به این خفت باید پایان داد. افغانستانیهای مقیم ایران بیش از چهار دهه در سوخت و ساز این جامعه شریک بوده‌اند و هستند و باید با آنان رفتار برابر و انساندوستانه داشت. میلیون‌ها ایرانی در خارج از ایران زندگی میکنند و در این جوامع به کار مشغول هستند واز حق شهروندی و پاسپورت این کشورها بهره‌مند هستند. این حق را رژیم هار سرمایه داری اسلامی از میلیون‌ها افغانستانی نه تنها دریغ کرده و میکند بلکه متاسفانه جمعی از شهروندان از سازمان دادن کمپین افغانستانی ستیزی تا تظاهرات بمنظور اخراج آنان و آتش زدن آلودگیهای محقرشان و هزار و یک نوع تحقیر و بی حقوقی به آنان روا میدارند.

در دو سال گذشته بعد از قتل حکومتی مهسا امینی و خیزش انقلابی ای که در ایران شکل گرفت کمترین توقع از هر شهروندی رشد آگاهی و بلوغ سیاسی است در برخورد به هم‌نوعان و هم طبقه ای هاپیمان که از آنسوی مرز از دست وحوش طالبان گریخته و به ماپناها آورده اند.

جمعه ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴

سال جدید تحصیلی و چه باید کردها!

فاطمه عسکری

در شرایطی سال تحصیلی جدید آغاز می شود که یک میلیون دانش آموز زیر ۱۲ سال در طول یکسال گذشته از تحصیل محروم شدند، چرا که تورم هر سال رو به افزایش است و اکثر مردم و اولیا دانش آموزان که از طبقه کارگر، مزدبگیران و زحمتکشان جامعه هستند توان تامین هزینه تحصیل کودکان را ندارند و در نتیجه آن شاهد بدل شدن دانش آموزان به کودکان کار میشوند.

اولیای دانش آموزانی هم که ثبت نام کرده‌اند مجبور به تحمل روند بنگاه سازی آموزش از سوی آموزش و پرورش هستند. اولیایی که اکثریت از بخش کارگر و مزد بگیر جامعه بوده و با فقر و درآمد‌های زیر فقر دست و پنجه نرم می کنند. از آنجایی که مدیران مدارس با ابلاغیه هایی که از سوی آموزش و پرورش مبنی بر لزوم دریافت هزینه هایی به عناوین مختلف از اولیا می گیرند، چه بسا با بالا رفتن نرخ فقر و تورم و نبود درآمد کافی برای زیست سال های بعد فرزندان‌شان را نتوانند ثبت نام کنند و به مدرسه بفرستند .

در چنین شرایطی از سویی مدارس با کمبود معلم مواجه هستند. یکی از دلایل مهم آن اخراج معلمان حق طلب و آزادیخواه به دنبال پرونده سازیه‌ها و صدور احکام مختلف می باشد که این روند هنوز ادامه دارد.

همزمان نفوذ نهادهای وابسته به رژیم تحت عناوین نهادهای معلمان مانند؛ سازمان اسلامی معلمان، برای قالب کردن خود بجای تشکل‌های مستقل معلمان در جهت تحمیل خواسته های پرو رژیمی و خط مذاکره طلبی و مماشات بجای مطرح شدن خواسته های واقعی معلمان از سوی تشکل های مستقل از دیگر دسیسه های جدید جمهوری اسلامی در جهت از بین بردن تشکل های واقعی و مستقل معلمان همچون کانون های صنفی و شورای هماهنگی است.

در آغاز سال جدید تحصیلی با حضور دانش آموزان مبارز، معلمان و دانشجویان، مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی در سطح مدارس و دانشگاه چالشی بزرگ و غیر قابل کنترل را جلوی پای جمهوری اسلامی خواهد گذاشت که تاکنون نتوانسته مهار کند و زنان و دختران کماکان علی رغم تمامی فشارها به مبارزات خود در این راستا ادامه میدهند.

در سال تحصیلی جدید دانشجویان زیادی با منع ورود به دانشگاه، تعلیق یا تمدید تعلیق شده و حتی اخراج شده‌اند. تعداد زیادی از دانشجویان با احکام قضایی مواجه بوده یا در زندان به سر می برند. در شرایط کنونی خواست دانشجویان از لغو خصوصی سازی در آموزش، ملغی شدن دستگاههای امنیتی از فضای دانشگاه، مبارزه علیه حجاب اسلامی و فضای ایدئولوژیک در دانشگاه، آزادی تشکل یابی در دانشگاه و آزادی هر گونه فعالیت صنفی سیاسی در دانشگاه به عنوان بخشی از خواسته‌های مهم دانشجویان مطرح خواهد شد.

همچنین در سال تحصیلی جدید مبارزات معلمان ادامه خواهد داشت و آنان خواستار حقوق مکفی بر اساس تورم، آزادی معلمان دربند، لغو احکام و اتهامات بر معلمان، خواست آموزش رایگان، لغو پولیسازی آموزش، حذف آموزش ایدئولوژیک از مدارس، عدم دخالت در پوشش دانش آموزان و معلمان در مدارس، آزادی تمامی دانش آموزان

افغانستانی ستیزی تا مرز فاشیسم

سعید آرمان



آلمان بود که به این نتیجه رسیده‌اند در قبال تحویل دادن پناهجویان افغانستانی به ازبکستان کارگر ماهر به آلمان وارد کنند. آنچه مسلم است دولت آلمان کاهش نرخ رشد جمعیت را با کارگران ماهر از کشورهای کنیا و ازبکستان جبران میکنند. نیروی جوان کشورهای غربی رو به کاهش است و سالانه بمنظور

جبران این کمبود هزاران نیروی کار ماهر از کشورهای اروپای شرقی و سایر کشورها با ویزای کار وارد میکنند .

بنا به گفته مقامات آلمانی اخراج پناهجویان به گفته آنان غیر قانونی " آلمان همچنان در حال افزایش است. به گزارش وزارت کشور آلمان، تقریباً ۹۵۰۰ نفر در نیمه اول سال ۲۰۲۴ از آلمان اخراج شده‌اند. در دوره مشابه سال ۲۰۲۳، تقریباً ۷ هزار و ۸۶۱ نفر اخراج و در مجموع در کل سال گذشته میلادی ۱۶ هزار و ۴۳۰ نفر از آلمان اخراج شدند. این رقم در کل سال ۲۰۲۲ برابر با ۱۳ هزار نفر بوده است.

اکثریت کشورهای اروپایی در تلاش هستند تا میزان ورود پناهجو را به کشورهایشان کاهش دهند و از تعهدات قبلی خود عقب نشینی کنند . اخیراً جورجیا ملونی نخست وزیر ایتالیا با همکاری رئیس کمیسیون اروپا ۱۰۵ میلیون یورو به دولت تونس داده‌اند تا گارد ساحلی را بمنظور جلوگیری از هجوم پناهجویان آفریقایی از سواحل این کشور آموزش دهد و ۱۰۰ میلیون کمک مالی دیگر به تونس داده‌اند برای سرمایه گذاری بویژه در عرصه انرژیهای تجدید پذیر .

ایتالیا در عین حال بمنظور کنترل پناهجویان با دولت آلبانی قراردادی را بسته تا پناهجویانی که وارد ایتالیا می شوند را به اردوگاهی در تیرانا پایتخت آلبانی انتقال دهند. اردوگاهی که در واقع مانند زندان خواهد بود با محدودیتهای تردد. ایتالیا قصد دارد در این اردوگاه به درخواست پناهندگی آنان "رسیدگی و مثبت یا منفی پاسخ" دهند .

اوضاع در بریتانیا و فرانسه نیز تعریفی ندارد، کماکان روزانه چندین قایق کانال پر تردد مانش را از فرانسه به قصد بریتانیا طی میکنند و قاچاقچیان انسان که صرفاً به فکر پول هستند بدون توجه به ظرفیت قایقهای دهها نفر را سوار و به امواج دریا می سپارند. بتوریکه چندین قایق غرق شده اند و دهها نفر جانشان را از دست داده‌اند و تعداد بیشتری توسط تیمهای امداد نجات یافته اند. در دو هفته اخیر شاهد غرق شدن شش کودک یک زن حامله جزو غرق شدگان بوده است.

کی یر ستارمر نخست وزیر بریتانیا به کرات اعلام کرده است که تمایلی به فرستادن پناهجویان به خارج از مرزهای بریتانیا از جمله رواندا، ندارد و به همین دلیل مصوبه دولت محافظه کار به رهبری ریشی سوناک را لغو و اکنون در تلاش است تا راهی بمنظور کاهش ورود پناهجویان به این کشور را بیابد. ستارمر ظاهراً انگیزه‌های برای فرستادن پناهجویان به کشورهای دیگر ندارد اما می خواهد با کشورهای دیگر همکاری کنند تا نگذارند مهاجران به بریتانیا بیایند.

اوضاع پناهندگی متأسفانه هر روز سخت تر می شود و قربانیان بیشتری از پناهجویان می گیرد. دولتها از سر خطا

این روزها نفرت از پناهجویان نگون بخت افغانستانی مرزها را در نور دیده. آلمان قصد اخراج هزاران پناهجوی افغانستانی را به "جرم" طرفداری از طالبان را دارد، در واقع مجازات جمعی پناهجویانی است که احتمالاً هیچ جرمی مرتکب نشده باشند .

در ایران تحت حاکمیت فاشیسم اسلامی "فروش نان به اتباع ممنوع" این جمله دستورالعمل دادستانی "محترم" می باشد که بر درب ورودی نانوایی های شهرهایی از ایران نصب شده است. این شیوه رفتار تنها تداعی کننده برخورد نازیهای آلمان به یهودیان است. چگونه و به چه حقی نان را از مردم بویژه کودکان منع میکنید؟!

در ۱۶ استان کشور حق تردد و اسکان ندارند، به صاحبان منازل اخطار داده شده که قرارداد اجاره مسکن را برای ماه آینده تمدید نکنند. یک میلیون کودک افغانستانی فاقد مدرسه هستند و یا بهتر است بگوییم از حق تحصیل محروم شده اند. به گفته یکی از والدین کودکان افغانستانی "هر بار رفتم مدرسه گفتند برای اتباع بخشنامه نیامده"، بانک رفتیم گفتند کارت دارد وقتش تمام می شود به فکر تمدید مهلت کارت بانک باشید". "خودم نتوانستم تحصیل بکنم فرزندم هم نمیتواند. او در ادامه می گوید "لعنت به بی وطنی".

آنچه از زبان یک پدر افغانستانی می شنویم اوج نفرت و انزجار بحق او و صدها هزار هم نوع او از سیستم تبعیض نژادی است که دهه‌ها سال توسط جمهوری اسلامی به شنیع ترین شیوه علیه افغانستانیهای مقیم ایران به شیوه سیستماتیک اعمال می شود. جناب احمد رضا رادان فرمانده نیروی انتظامی در اوج گستاخی پناهجویان را تهدید به اخراج از ایران کرده است و روزانه آنرا عملی کرده است. کودکان افغانستانی بویژه دختران شرایطی به مراتب سخت تری در انتظارشان خواهد بود بطوریه به هیچ وجه در حکومت خلافت اسلامی طالبان قادر به تحصیل نخواهند بود .

ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و تحت تبلیغات آن بخشی از جامعه ایران متأسفانه فقر و جرایم موجود در این جامعه را ناشی از حضور چند میلیون افغانستانی فراری از جهنمی که طالبان برایشان ایجاد کرده است، میدانند. بویژه قانون "امر به معروف" وحوش طالبان که آنقدر ارتجاعی و ضد زن و ضد مدرنیسم است، اعتراض جهانیان را برانگیخته است.

خرداد ماه سال جاری در نتیجه حمله یک جوان افغانستانی مقیم آلمان در شهر "مانهایم" در روز جمعه (۱۱ خرداد) که منجر به زخمی شدن تعدادی از حاضرین در یک میتینگ خیابانی ضارب در مجموع شش مرد از جمله یک افسر پلیس را در میدانی در مرکز شهر مجروح کرد که یکی از آنها افسر پلیس ۲۹ ساله بود که بعد از ساعاتی جانش را از دست داد. قتل این افسر پلیس واکنشهای فراوانی را در جامعه آلمان بدنبال داشت و بعد از این ماجرا دولت آلمان از صدر اعظم این کشور تا وزیر خارجه پیشنهادات و در نهایت به گفته آنان تصمیمات سختی را علیه پناهجویان افغانستانی و سوریهایی اتخاذ کردند. آخرین تصمیم اولاف شولتس صدر اعظم آلمان مبنی بر دیپورت پناهجویان بصورت غیر مستقیم به ازبکستان در ملاقات رئیس جمهور ازبکستان از

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

خالصانه و صادقانه تشکر و قدردانی می‌کنم و حقیقتاً همچنانکه بارها گفته‌ام در برابر امواج محبت‌ها و حمایت‌های مردم زبان و بیانم قاصر از سپاسگزاری است.

تجمع اعتراضی کارکنان عملیاتی مناطق نفتخیز و ملی حفاری
شنبه ۲۴ شهریورماه شماری از کارگران پیمانکاری شرکت شکام استان آذربایجان شرقی، در اعتراض به عدم توجه به مطالباتشان در مقابل شرکت مخابرات در تبریز دست به تجمع زدند.

اجتماع سراسری بازنشستگان کرمانشاه
یکشنبه ۲۵ شهریور بازنشستگان تامین اجتماعی کرمانشاه با همگامی متحد با بازنشستگان سایر صندوق‌ها تجمع اعتراضی برپا کردند.

اجتماع بازنشستگان فرهنگی تهران
دوشنبه ۲۶ شهریور در تهران تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۲ جلو سازمان برنامه و بودجه برپا شد.

اجتماع بازنشستگان فولاد خوزستان
دوشنبه ۲۶ شهریور بازنشستگان فولاد خوزستان برای پیگیری حقوق حقه خود اجتماع اعتراضی برپا کردند.

اجتماعات بازنشستگان مخابرات
دوشنبه ۲۶ شهریور تجمع اعتراضی سراسری بازنشستگان مخابرات در اصفهان، مازندران، کرمان، هرمزگان، شیراز، همدان، مریوان، سنندج، بیجار و تبریز برگزار شد. در سنندج بازنشستگان شرکت مخابرات در برابر شرکت مخابرات استان کردستان، در اعتراض به اجرا نشدن آیین نامه‌ی استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ و پایمال شدن حقوق خود علیه سهامداران عمده شرکت مخابرات شعار دادند: "سهامدار ظالم است! ظالم و فقیرکش است!"

حمله ماموران شهرداری به دستفروشان
اخیراً حمله باندهای قلدر شهرداری‌ها به دستفروشان زحمتکش بیشتر شده است و با مصادره و منهدم کردن وسایل آنان نهایت توحش را نشان میدهند. در تبریز، ماموران وحشی و سرکوبگر سد معبر شهرداری منطقه یک تبریز با دست فروشان درگیر شدند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. دستفروشان میگویند "هر کدام از کارکنان شهرداری وقت اداری که تعطیل میشن میرن میوه هاشون را مجانی میگیرند و از دستفروشان باجگیری میکنند و در وقت اداری هم حمله میکنند".

اجتماع آتش نشانان زنجان
روز یکشنبه ۲۵ شهریور آتش نشانان زنجان برای پیگیری خواسته‌های خود مقابل استانداری زنجان تجمع اعتراضی برپا کردند.

زخمی و سوخته شدن دو کارگر در کنفرانس نکونام
در نشست خبری جواد نکونام، سرمربی تیم استقلال در آستانه بازی مقابل الغرافه قطر در لیگ نخبگان آسیا، در ورزشگاه شهر قدس در جریان بود، برق سالن کنفرانس قطع شد. دو نفر از کارگران ورزشگاه در جریان قطعی برق، دچار سوختگی شدید شده و به بیمارستان منتقل شدند. در این کنفرانس نماینده کنفدراسیون فوتبال آسیا حضور داشت.

قتل یک کودک توسط ماموران در راسک

اعتراض زندانیان اوین در سالروز خیزش انقلابی
شنبه ۲۴ شهریور ماه در دومین سالگرد جنبش "زن، زندگی، آزادی" و شب کشته شدن مهسا امینی بیش از ۲۵ نفر از زنان زندانی سیاسی در بند اوین در حیاط بند تجمع کرده‌اند! آنها شعارهایی را روی مقوا نوشته و به دیوارهای زندان آویخته‌اند و در راهروها و حیاط سر می‌دهند.

زن، زندگی، آزادی - آزادی، آزادی، آزادی - جان برود، سر برود، آزادی هرگز - بند زنان اوین، هم صدا و هم پیمان، تا لغو حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان - صدور حکم اعدام، انتقام حاکمان، از زنان و کردستان، تا هر گوشه در ایران - اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا.

آنها نام کشته شدگان و اعدام شدگان را فریاد می‌زنند و سرود بلاچاو و به نام تو که اسم رمز ماست را دسته جمعی می‌خوانند. زنان زندانی در اعتراض به سیاست‌های سرکوب زنان به خاطر حجاب اجباری، در حیاط زندان شال آتش زده‌اند. زنان معترض اعلام کرده‌اند که همگام و هم صدا با مردم به خاسته و معترض ایران، روز یکشنبه بیست و پنجم شهریور ماه در اعتصاب غذا خواهند بود.

۲۴ شهریور ۱۴۰۳
زندان اوین - بند زنان ۱۴۰۳

حصر خانگی خانواده مهسا (ژینا) امینی
از صبح روز شنبه خانواده ژینا امینی توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم، برای جلوگیری از برگزاری مراسم دومین سالگرد قتل حکومتی ژینا بر سر مزار وی در آرامگاه آبیچی سقز، در حصر خانگی بوده و اجازه حضور بر سر مزار و برگزاری مراسم را نیافتند.

پیام امجد امینی در مقابل همدردی و همبستگی
امجد امینی، پدر مهسا (ژینا) امینی، در پاسخ به همبستگی سراسری در سالگرد فرزندش پیامی در استوری اینستاگرامش منتشر کرد: "اعتصاب عمومی و همدردی بسیار گسترده اصناف، کسبه، بازاریان، مغازه‌داران و همه مردم شریف و فهیم مناطق کردنشین و همه ایرانیانی که از هر نقطه جهان در دومین سالگرد شهادت مظلومانه ژینا امینی به ویژه در شهرستان‌های سقز، سنندج، مریوان، بانه، دیواندره، بوکان، مهاباد، سنو، پیرانشهر، سردشت ... با وجود همه بحران‌ها و تنگناها و شرایط سخت معیشتی، اقتصادی و مالی خود حاکی از حس انسان‌دوستی، محبت، همدلی و همدردی این مردمان نجیب و بزرگواری است و همچنین هشدار و پیام اعتراضی روشنی است به مسئولان امر، که هرگز نباید فرزندان این مملکت را بی‌محابا مشابه آنچه بر سر ژینا و ژیناها آمد مورد ظلم و ستم قرار گیرند. اینجانب با تمام وجود از حمایت‌های همه مردم بزرگواری صمیمانه و

مدیرعامل حاضر به پاسخگویی نشده است.

راهپیمایی کارکنان پالایش گاز فجر جم در بوشهر و نفت و گاز پارس
عسلویه

دوشنبه ۲۶ شهریور کارگران و کارکنان شرکت پالایش گاز فجر جم
در بوشهر و شرکت نفت و گاز پارس در عسلویه،
در اعتراض به قراردادهای و کسورات دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

تجمع کارکنان شرکت اینداین ساپا علیه بی‌عدالتی

سه شنبه ۲۷ شهریورماه کارکنان شرکت اینداین ساپا با برپایی
اعتصاب و تجمع اعتراضی خواستار پاسخگویی مسئولان به مطالبات
شغلی و معیشتی خود شدند. در حالی که کارکنان چندین ماه است
به سطح پایین حقوق‌های دریافتی معترض هستند و خواستار افزایش
دستمزدها شده‌اند، مدیرعامل شرکت اقدام به افزایش حقوق مدیران
بخش‌های مختلف کرده و پاسخ شفافی به معترضان نمی‌دهد.

تجمع اعتراضی "معلولان" مقابل استانداری اصفهان

سه‌شنبه ۲۷ شهریور، "معلولان" در اعتراض به واگذاری تحمیلی ملک
۵ هزار متری بهزیستی به دادگستری توسط شورای عالی استان،
مقابل استانداری اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

تجمع خانواده‌های بیماران مبتلا به اوتیسم

پنجشنبه ۲۹ شهریور در اصفهان، خانواده‌های بیماران مبتلا به اوتیسم
در برابر سازمان بهزیستی، در اعتراض به نبود بیمه‌ی درمانی و عدم
حمایت نهادهای دولتی دست به تجمع زدند.

اجتماع مدیران مراکز توانبخشی مقابل سازمان برنامه و بودجه

سه‌شنبه ۲۷ شهریور، جمع کثیری از صاحبان مراکز توانبخشی
سراسر کشور در اعتراض به عدم اجرای مصوبه افزایش ۴۰ درصدی
یارانه مراکز غیردولتی موضوع ماده ۷ قانون حمایت از حقوق معلولان
و عدم پرداخت مابه‌التفاوت ۶ ماهه آن، مقابل سازمان برنامه و بودجه
دست به تجمع اعتراضی زدند. پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و
بودجه اخیراً اعلام کرده که این سازمان، حق پرستاری و یارانه مراکز
را دلبخواه خود افزایش خواهد داد نه به میزان مصرح در مصوبه.

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

شامگاه روز شنبه ۲۴ شهریور، ماموران یگان تکاوری به تعقیب و گریز
یک خودرو در جکیگور، شهرستان راسک پرداخته و با تیراندازی به
سمت آن، منجر به واژگونی خودرو شدند. در این واقعه یک کودک
۱۳ ساله کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. هویت کودک جان
باخته "احسان" ۱۳ ساله و هویت فرد زخمی "سلمان" برای رصد
بلوچستان احراز شده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران بیکار شده در پروژه پتروشیمی ارغوان گستر ام

روز یکشنبه ۲۵ شهریور گروهی از کارگران بیکار شده در پروژه
پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در اعتراض به عدم رسیدگی به
مطالبات خود دست به تجمع زدند. برخی کارگران پروژه‌های در
پتروشیمی ارغوان گستر با اتمام قرارداد پیمانکار بیکار شده و روند
بیکاری برای سایر کارگران ادامه دارد. کارگران می‌گویند مسئولان
می‌توانند کارگران بیکار شده را که همگی بومی منطقه‌اند در
بخش‌های دیگر این پتروشیمی و سایر واحدهای نفت و گاز و
پتروشیمی چوار به کار گیرند.

تداوم اعتصاب کارگران پیمانکاری پارس جنوبی

اعتصاب کارگران پیمانکاری پارس جنوبی در هفتمن هفته خود است.
در این هفته کارگران پیمانی پالایشگاه پارسین نیز به اعتصاب
پیوست. سه شنبه ۲۷ شهریور در هفتمین هفته متوالی از
سه‌شنبه‌های اعتراضی در مجتمع گاز پارس جنوبی استان بوشهر،
کارگران پالایشگاه گاز پارسین واقع در استان فارس نیز برای اولین
بار به اعتصاب پیوستند. کارگران طی اطلاعیه‌ای خواسته‌های خود را
اینگونه بیان کردند: "بازگشت به کار حجت رضایی نماینده اخراجی
کارگران، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت
حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل برای همه کارگران
پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای
طرح طبقه‌بندی برای رانندگان غیرمالک، اجرای بدون تبعیض تردد
۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی".

اجتماع کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر

سه‌شنبه ۲۷ شهریور کارگران شرکت پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی
بندر ماهشهر برای دومین روز متوالی تجمع کردند. کارگران به عدم
اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم
اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، عدم پرداخت
پتروکارت، کسر مبالغ پاداش‌های بهره‌وری، مشکلات مکرر در
پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت اضافه کار ماه
رمضان ۱۴۰۲ و ۱۴۰۲، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ
۱۴۰۱/۹/۱۵، عدم تحویل البسه و عینک طبق قرارداد شرکت
پیمانکاری بیسکو وعدم پرداخت هزینه تور مسافرت و سرانه ورزشی
اعتراض دارند. کارگران همچنین گفتند سه نفر از همکارانمان به
دلیل گرمادگی از انتقال آنها به بیمارستان خبر دادند اما هنوز



partow TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه‌ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

اعدام قتل عمد دولتی است!

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

فراخوان تجمع معلولان مقابل سازمان برنامه و بودجه

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم، موجیم که آسودگی ما عدم ماست! نظر به سال‌ها بی‌توجهی دولت/ دولت‌ها به حقوق افراد دارای معلولیت و با توجه به قطع مداوم مستمری معلولان، پشت‌نوبتی ۱۰۰ هزار نفری حق پرستاری، عدم اجرای مصوبه افزایش ۴۰ درصدی حق پرستاری و پرداخت مابه‌التفاوت آن، ناکافی بودن و پشت‌نوبتی کمک معیشتی و عدم اجرای درست و کامل ماده ۲۷ قانون حمایت از حقوق معلولان و... اقدام به انتشار فراخوان می‌نماییم. لذا بدین‌وسیله از افراد دارای معلولیت، خانواده‌های آنان و همچنین فعالان این حوزه درخواست می‌شود در تجمع سراسری معلولان مشارکت حداکثری نموده و حق پایمال‌شده معلولان را از حاکمیت مطالبه کنند. یا به تجمع تهران بپیوندید و یا در شهرهای خود مقابل، استانداری، فرمانداری و بهزیستی تجمع برگزار کنید. زمان تجمع؛ یکشنبه ۱ مهر ساعت ۹. مکان تجمع؛ تهران، میدان بهارستان خیابان دانشسرا، ضلع شمالی پارک بهارستان، مقابل سازمان برنامه و بودجه. همراه شو عزیز، همراه شو، کین درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود.

محکومیت نسیم غلامی سیمپاری به حبس، تبعید و شلاق

نسیم غلامی سیمپاری، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین که پیشتر به "بغی" محکوم شده بود، توسط دادگاه انقلاب تهران، به شش سال

حبس، بیست سال تبعید به "انگوران" زنجان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. در حکم دادگاه، تاکید شده است که تبعید نسیم سیمپاری و حمید سهیل‌آبادی از هم‌پرونده‌های وی باید به شیوه‌ای باشد که با دیگران معاشرت، مراد و رفت و آمد نداشته باشند. طبق این گزارش، دیگر هم‌پرونده‌های نسیم غلامی نیز به حبس، تبعید و شلاق محکوم شدند.



آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

partow TV

@hekmatisht

@patowtv

Hekmatist.org

Thepartow TV

@hekmatisht1917

@PartowTV

@hekmatisht pary

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات
اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!